

ز بودش گشتی راه نوح  
 ز بودی ره چو دی گشتی نوح  
 کلمه از منقل او شد جوی  
 غلامی بود یوسف ز خزیه  
 بیاد حجت باقی فرستاد  
 ز باغ اصفیاء رفت تزدوی  
 لشکر مایه حجی القطار  
 چو زین قهر بر جبر اقتدار  
 ز دوازده ساله بختیست  
 جمل را سست صفت او در ماه  
 رقم زده خطش بر ما بگشت  
 بلکه نسخ بر توت و ابجلی  
 جهان از سایه سزوی آباد  
 زمین و آسمان در سایه او  
 تشنه

ز بودش گشتی راه نوح  
 کلمه از منقل او شد جوی  
 غلامی بود یوسف ز خزیه  
 بیاد حجت باقی فرستاد  
 ز باغ اصفیاء رفت تزدوی  
 لشکر مایه حجی القطار  
 چو زین قهر بر جبر اقتدار  
 ز دوازده ساله بختیست  
 جمل را سست صفت او در ماه  
 رقم زده خطش بر ما بگشت  
 بلکه نسخ بر توت و ابجلی  
 جهان از سایه سزوی آباد  
 زمین و آسمان در سایه او  
 تشنه

تنفشک بود جان پاک مایه  
 فلک چو ن زمین چو ن سایه  
 بنک از دست دشمن لعل  
 اگر چه گور شد ز چشم هفت آکاو  
 دمانش بود از در حقیقت پر  
 یکی دینار بود از جمله در نیک  
 چو شد معیار او آن سنگ کار  
 پادشاه ایمان بود کارش  
 کجا در راه دین در آرزوی  
 ددای درد جانی درد او با  
 در مواج دی که از آفتاب رخ المراجعات دو الوش معایت  
 و از مواج قدر او از زوه حاشش تخصیص فرستاد  
 ز دوه لهما گوز افزون زیاد  
 شش دیباچه سعادت  
 یعنی در ایامی که کجا بود که سعادت نصبا حک ادیبی

تنفشک بود جان پاک مایه  
 فلک چو ن زمین چو ن سایه  
 بنک از دست دشمن لعل  
 اگر چه گور شد ز چشم هفت آکاو  
 دمانش بود از در حقیقت پر  
 یکی دینار بود از جمله در نیک  
 چو شد معیار او آن سنگ کار  
 پادشاه ایمان بود کارش  
 کجا در راه دین در آرزوی  
 ددای درد جانی درد او با  
 در مواج دی که از آفتاب رخ المراجعات دو الوش معایت  
 و از مواج قدر او از زوه حاشش تخصیص فرستاد  
 ز دوه لهما گوز افزون زیاد  
 شش دیباچه سعادت  
 یعنی در ایامی که کجا بود که سعادت نصبا حک ادیبی

بای بای

جوادان دولت تو معاصران  
 چو یون دودار چو باران  
 دولت تو بر روز قضا  
 و من بود در وقت غولب  
 اول و در وقت  
 چو یون دودار چو باران  
 چو یون دودار چو باران  
 دولت تو بر روز قضا  
 و من بود در وقت غولب  
 اول و در وقت

ز بودش گشتی راه نوح  
 کلمه از منقل او شد جوی  
 غلامی بود یوسف ز خزیه  
 بیاد حجت باقی فرستاد  
 ز باغ اصفیاء رفت تزدوی  
 لشکر مایه حجی القطار  
 چو زین قهر بر جبر اقتدار  
 ز دوازده ساله بختیست  
 جمل را سست صفت او در ماه  
 رقم زده خطش بر ما بگشت  
 بلکه نسخ بر توت و ابجلی  
 جهان از سایه سزوی آباد  
 زمین و آسمان در سایه او  
 تشنه